



■ به عنوان ورودیه بحث، لطفاً درباره پیشینه و سوابق علمی آیت الله العظمی میلانی مطالبی را عنوان بفرمایید تا بعد وارد مباحث اصلی شویم. مرحوم آیت الله العظمی میلانی، همان گونه که از نام شریف ایشان بر می آید، اهل میلان و از خطه آذربایجان ایران بودند. پس از طی مراحل ابتدایی زندگی، برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه نجف اشرف هجرت کردند. دروس مقدماتی و سطح را به طور کامل به پایان رساندند و سپس از جمله شاگردان ملازم مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین اصفهانی، معروف به «کمپانی»، شدند. از قدیم در حوزه های علمیه ما این سخن رواج داشته و حقیقتی آزموده شده بوده است که علم با «ملازمت» حاصل می شود، نه با چند واحد درسی محدود، نه با برنامه های فشرده آخر هفته ای. شتاب زده و نه با برنامه های فشرده آخر هفته ای. علم ریشه دار نیازمند صبر، زمان و همراهی مستمر با استاد است. برای همین است که در تاریخ علم، نمونه های فراوانی از ملازمت های طولانی می بینیم. عثمان بن جنی، چهل سال ملازم استاد خود ابوعلی فارسی بود. جلال الدین سیوطی نقل می کند که چهارده سال ملازم محی الدین کافجی بوده است. مرحوم شهید ثانی می فرماید یازده سال ملازم شیخ علی بن عبدالعالی میسی در کرک نوح بوده ام. این ملازمت ها اتفاقی نیست؛ نتیجه آن، علمی عمیق، منسجم و ماندگار است. مرحوم آیت الله العظمی میلانی نیز دقیقاً با همین شیوه رشد کردند. علاقه ایشان به استادشان مرحوم آقای اصفهانی به حدی بود که ادب را در بالاترین مرتبه رعایت می کردند. نقل می کنند وقتی همراه استاد به منزل ایشان می رفتند، می ایستادند تا استاد وارد خانه شود و سپس با گوشه عبا خود کفش استاد را تمیز می کردند. این کار از سر فقر وسیله نبود، می توانستند پارچه ای از جیب بیرون بیاورند. اما مقصود، حفظ حرمت استاد و نشان دادن نهایت ادب بود. خود مرحوم آقای اصفهانی مشهور به «کمپانی» هم نمونه یک عالم جامع بودند. در جلساتی که برای روضه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بر پا می کردند، تصریح می کردند که اجازه نمی دهم کسی چای بدهد و خودم چای می دهم. برخی از بزرگان جهان اسلام، در مقایسه های علمی، ایشان را با اینشتین قیاس کرده اند. شاید در صد سال اخیر، شمار کسانی که بتوان آن ها را هم تراز یا حتی بدیل ایشان دانست، بسیار اندک باشد. ذهن ایشان چنان فعال و پویا بود که آرا و نظریات علمی شان در حوزه های مختلف مطرح شد. مرحوم آیت الله العظمی میلانی از ملازمان درس چنین استادی بودند. البته در دروس دیگر بزرگان نجف، از جمله مرحوم میرزا حسین نائینی، نیز شرکت داشتند و بهره بردند.

اما شالوده فکری و علمی ایشان بیش از همه، از مرحوم آقای اصفهانی تأثیر پذیرفته بود؛ استادی که هم در علوم عقلی و هم در علوم نقلی سرآمد به شمار می رفت.

■ پس از دوران تحصیل نزد چنین استادانی، آیت الله العظمی میلانی چه مسیری را برای تبدیل شدن به مرجعی تمام عیار طی کرد؟

مرحوم آیت الله العظمی میلانی در حوزه نجف به تدریج در زمره مدرسین شناخته شده قرار گرفتند. اما در مقطعی احساس کردند که حوزه کربلا با نوعی خلأ علمی مواجه است و نیاز به حضور اساتید برجسته دارد. از این رو به کربلا مهاجرت کردند و حدود پانزده سال در آن شهر اقامت گزیدند. در این مدت به تدریس پرداختند و مرجع عمومی مردم شدند. از نکات قابل توجه این دوره، حضور مرحوم شیخ عباس قمی، صاحب کتاب گران سنگ «سفینه البحار»، در خانه ایشان است. مرحوم شیخ عباس قمی چند سال میهمان مرحوم آیت الله العظمی میلانی بود و به گفته آقا زاده ایشان، هم چون یکی از اعضای خانواده به حساب می آمد. او از کتابخانه مرحوم آقای میلانی بهره می برد و این خود نشان می دهد که آیت الله العظمی میلانی دبستگی عمیقی به کتاب و فضای علمی داشتند. پس از حدود پانزده سال اقامت در کربلا، ایشان برای زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مشهد مشرف شدند. در این سفر، علمای مشهد با اصرار فراوان از ایشان خواستند که در این شهر اقامت کنند. استدلال آن ها این بود که حوزه مشهد پس از یک دوره رکود، نیازمند شخصیتی است که بتواند آن را دوباره احیا کند. مرحوم آیت الله العظمی میلانی

درس خارج آیت الله العظمی میلانی نمونه ای کم نظیر از درهم تنیدگی فقه و اصول بود. ایشان هیچ مسئله فقهی را بدون تحلیل دقیق مبانی اصولی، لغوی و رجالی بررسی نمی کرد و حاضر نبود برای افزایش مخاطب، از عمق بحث بکاهد؛ رویکردی که شاگردان خاص خود را می طلبید

این دعوت را به فال نیک گرفتند و در مشهد ماندگار شدند. در مشهد، ایشان سه مدرسه علمی تأسیس کردند: مدرسه ای ابتدایی در اطراف حرم که بعدها در جریان توسعه حرم از میان رفت، مدرسه ای در سطح بالاتر به نام مدرسه امام صادق علیه السلام که هنوز باقی است و مدرسه ای در سطح عالی به نام مدرسه عالی حسینی که آن هم در جریان توسعه حرم از بین رفت.

■ شاگردان آیت الله العظمی میلانی از روش تدریس ایشان، به ویژه در مباحث فقه و اصول، به عنوان یکی از نقاط قوت و توانمندی آن مرحوم یاد می کنند. این روش مبتنی بر چه اصولی بود؟

روش تدریس مرحوم آیت الله العظمی میلانی مبتنی بر این باور بود که فقه باید به صورت مستقیم و دقیق با اصول پیوند بخورد. ایشان صریحاً می فرمودند کسانی که توان علمی لازم را ندارند، بهتر است در این درس شرکت نکنند. به همین دلیل، درس خارج ایشان یک درس عمومی نبود و بیشتر فضلاء، استادان و طلاب برجسته در آن شرکت می کردند. حوزه نجف، تفاوت اساتید بیشتر در شیوه بیان بود تا در میزان علم. برخی، مانند مرحوم آقا ضیاء عراقی، درس روان تری داشتند. برخی دیگر، مانند مرحوم نائینی، درس عمیق تر و سنگین تری ارائه می کردند. مرحوم آیت الله العظمی میلانی حاضر نبودند سطح علمی درس را برای جلب مخاطب پایین بیاورند. طبیعی بود که همه طلاب آمادگی همراهی با این سطح را نداشتند.

■ پیوند اصول با فقه در مباحث علمی و به ویژه تدریس، نزد اهل فن کار دشواری به نظر می رسد. آیت الله العظمی میلانی چگونه این دشواری را آسان می کرد؟

همان طور که اشاره کردید، تطبیق قواعد اصولی با فروع فقهی، کاری پیچیده و زمان بر است. ما تقریباً کتاب جامعی نداریم که این تطبیق را به صورت کامل انجام داده باشد. من معجمی تطبیقی در علم اصول نوشته ام که تا زمان صاحب جواهر